

## اشعیا ۴۳: ۲۵

اِچ. پی. مک کِراکِن

یکی از مشایخ جماعت کلیسایی ام اغلب به شوخی می گوید: «می گویند وقتی پیر می شوی، حافظه‌ی کوتاه مدت دومین چیزی است که باید از آن استفاده کنی. ولی یادم رفت اولیش چه بود.» مسیحیان با این موضوع موافق هستند که حافظه‌ی محدودی که با افزایش سن تضعیف می شود و حتی می تواند توسط گناه در هم بریزد مشکل مشترک تمام بشریت است. اما وقتی در اشعیا ۴۳: ۲۵ خدا می گوید: «گناهان تو را به یاد نخواهم آورد»، درک ما از حافظه‌ی خدا چیست؟ چند دلیل وجود دارد که چرا نباید این آیه را به این معنا تفسیر کنیم که خدا به معنای واقعی کلمه فراموش می کند، اگرچه اینجا حقیقت مهم و شگفت انگیزی را آموزش می دهد.

### زبان تشبیه

در سراسر کتاب مقدس، خدای نامتناهی ما، خود را با استفاده از زبان تشبیه مکشوف می نماید. این ها توصیفات واقعی نیستند، بلکه توصیفات استعاری از خدا هستند تا با زبان محدود و درک محدود ما به عنوان انسان، سازگار باشند. به این ترتیب، کتاب مقدس اعمال انسانی را به خدا نسبت می دهد، مانند بوییدن (پیدایش ۸: ۲۱)، شنیدن (خروج ۲: ۲۴)، نشستن (مزمور ۹: ۷)، و نزول نمودن (میکاه ۱: ۳). عواطف انسانی مانند حزن ناشی از پشیمانی (پیدایش ۶: ۶) و غیرت (خروج ۲۰: ۵) نیز با زبان تشبیهی به ما یاد می دهند که خدا چگونه است. اگرچه خدا بدن ندارد، کتاب مقدس از دست او (مزمور ۱۱۸: ۱۵) و چشمان او (امثال سلیمان ۱۵: ۳) صحبت می کند. با زبان مشاغل یا روابط انسانی، او به عنوان یک شوهر (اشعیا ۵۴: ۵)، پدر (تثنیه ۳۲: ۶)، پادشاه (اشعیا ۴۴: ۶)، و شبان (مزمور ۲۳: ۱) توصیف می شود. خدا به یاد می آورد (پیدایش ۹: ۱۵) و فراموش می کند، این ها باید به عنوان زبان تشبیهی تفسیر شوند.

## ماهیت خدا

با باوری برپایه‌ی این اعتقاد که کلام عاری از خطای خدا در هیچ بخشی دارای تناقض نیست، «قیاس ایمان» یک اصل مهم در تفسیر کتاب مقدس است که ما را راهنمایی می‌کند تا با استفاده از بخش‌های واضح‌تر و غیراستعاری کتاب مقدس، بخش‌های کمتر واضح و استعاری آن را تفسیر کنیم. «فراموشی» خدا نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه به معنی «از دست دادن حافظه» باشد، یعنی چیزی شبیه فرمول‌های ریاضی دبیرستان که من فراموش‌شان کرده‌ام، زیرا این با آنچه کتاب مقدس در مورد همه چیز دانی خدا، دانش کامل و مطلق او می‌آموزد در تضاد است. به ما گفته شده است که «حکمت وی غیرمتناهی» (مزمور ۱۴۷: ۵) و او «آخر را از ابتدا بیان میکند» (اشعیا ۴۶: ۱۰). فراموش کردن هر چیزی به معنای واقعی کلمه بر خلاف ماهیت خداوند است.

## زبان عهد

اگر خدا به معنای واقعی کلمه گناهان ما را فراموش نمی‌کند، پس اشعیا ۴۳: ۲۵ چه معنایی دارد؟ ما باید این توصیف خدا را با زبان عهد درک کنیم که با این زبان او به قوم خود در مورد آموزش کامل گناهان‌شان اطمینان می‌دهد. بلافاصله قبل از آیه‌ی ۲۵، خدا بی‌وفایی و پرستش دروغین را به قوم خود یادآوری کرده بود و نتیجه می‌گیرد: «به خطایای خویش مرا به تنگ آوردی» (آیات ۲۲-۲۴). با این حال، فصل ۴۳ قسمتی از یک بخش بزرگ‌تر در اشعیا است که از فصل ۴۰ شروع می‌شود، که در آن خدا تا حد زیادی آرامش و اطمینان را به قوم خود ابلاغ می‌کند. او در ۴۳: ۱-۴، ۱۵ به آن‌ها می‌گوید:

«مترس زیرا که من تو را فدیة دادم و تو را به اسمت خواندم پس تو از آن من هستی... زیرا من بیهوش خدای تو و قدوس اسرائیل نجات‌دهنده‌ی تو هستم... در نظر من گرانبها و مکرم بودی و من تو را دوست می‌داشتم.»

این تضمین‌ها رابطه‌ی عهدی را که خداوند با اسرائیل علی‌رغم گناهشان بسته است نشان می‌دهد. سپس در آیه‌ی ۲۵ خداوند می‌فرماید: «من هستم من که به‌خاطر خود خطایای تو را محو ساختم و گناهان تو را به‌یاد نخواهم آورد». خدا با تأکید بر اینکه او این کار را «به‌خاطر من» انجام می‌دهد، دوباره به عهد پر از فیض خود اشاره می‌کند. نه به خاطر شایستگی آن‌ها، بلکه به خاطر فیض و محبت خالص او به آن‌هاست که گناهان آن‌ها را محو می‌کند.

این آیه در دو توصیف استعاری، به اسرائیل اطمینان می‌دهد که گناهان آن‌ها تا چه اندازه قاطعانه و کامل بخشیده شده است. اول، محو ساختن به معنای پاک کردن چیزی است که نوشته شده است. گناهان اسرائیل، که هرکدام توهین به خداست که سزاوار داوری است، در کتابی نوشته شده است، اما او همه آن‌ها را پاک کرده است. آن‌ها را دیگر نمی‌توان خواند و برای متهم کردن قوم خدا استفاده کرد. دوم، خدا به اسرائیل اطمینان می‌دهد که گناهان آن‌ها به طور کامل فراموش شده است. خداوند دیگر هرگز آن‌ها را مطرح نخواهد کرد و آن‌ها را در برابر چشمان قوم خود نخواهد گرفت. خداوند در کتاب مقدس از چندین تصویر مانند این استفاده می‌کند تا تأکید کند بخشش او و احسان‌های آن چقدر کامل و قاطعانه است. او از مستور کردن گناهان ما (مزمور ۳۲: ۱)، از دور کردن آن‌ها از ما به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است (مزمور ۱۰۳: ۱۲)، و انداختن آن‌ها به عمق‌های دریا (میکاه ۷: ۱۹) صحبت می‌کند.

مابقی کتاب مقدس نشان می‌دهد که چگونه خدا می‌تواند چنین رابطه‌ی عهدی با قوم گناهکار داشته باشد، چگونه می‌تواند گناهان آن‌ها را «فراموش کند». این به دلیل نقص حافظه و یا یک اصطلاح پیش پا افتاده نیست. به این دلیل است که خدا پسرش را فرستاد تا تمام گناهان قوم خود را به دوش بکشد و به جای آن‌ها بر روی صلیب بمیرد و گناهان قوم خود را پاک کند و آن‌ها را طوری تبدیل کند که گویی این گناهان برای همیشه در رابطه‌ی ما با او فراموش شده‌اند.

کشیش اِچ. پی. مَک کِراکِن، کشیش کلیسای اصلاحاتی پرزبیتری سالت اَند لایت در لانگمونت کلورادو است.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.